

## تصمیمات دادگاهها

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه مبدء مرور زمان افتراء را تاريخ انهام شناخته اند نه تاريخ تبرئه

ماده ۵۱ و ۲۶۹ و ۲۷۱ قانون مجازات

مقتري گناهی را بار نسبت داده و در اين مورد چون از ساله حکم تبرئه مدعي افتراء از اتهامات منسوب باو تا موقع شکایت او سه سال نگذشته بوده مرور زمان حاصل نشده) وارد نیست زیرا طبق ماده ۵۱ قانون مجازات عمومی مبدء مدت مرور زمان ساله ارتکاب بزه است و طبق ماده ۲۶۹ آن قانون بزه افتراء عبارت است از نسبت دادن امری که مطابق قانون جنحه باجنایت باشد و این نسبت بمجرد اینکه چنین عملی برخلاف حقیقت بکسی اسناد داده شده واقع شده محسوب است و عدم اثبات آن جزو عناصر و ارکان اصلی بزه مزبور نیست بلکه کاشف از کذب اسناد است و مانعی هم ندارد کسی که بزه باو نسبت داده شده از همان موقع در مقام اثبات برائت خود و تعقیب اسناد دهنده برآید بنابراین اعتراض دادستان فرجام خواه وارد و موجه نیست.

کسی نهمت سرقت بکسی زده و متهم در دادگاه تبرئه و پس از صدور حکم قطعی بعنوان افتراء نهمت زننده را تعقیب کرده و باز پرس قرار بزهکاری او را صادر و دادستان از لحاظ اینکه از تاریخی که نسبت سرقت داده شده بیش از سه سال گذشته قضیه را مشمول مرور زمان دانسته ولی باز پرس بعقیده خودش (که تاریخ مرور زمان را تاریخ تبرئه حساب کرده) باقی مانده و دادگاه استان نظر دادستان را تأیید کرده - دادستان استان از حکم مزبور فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۲۸ مورخ ۱۸۱۸۱۵ چنین رأی داده است:

(اعتراض دادستان بر قرار فرجام خواسته بالنتیجه آنکه قرار دادگاه استان مبنی بر حصول مرور زمان نسبت بگناه افتراء مخالف قانون است زیرا مبدء مدت مرور زمان در بزه مزبور از ساله صدور حکم قطعی به تبرئه کسی که

### رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه بایع شارط محکوم بپرداخت خسارت تأخیر تادیه شده

ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد

راجع بخسارت تأخیر تادیه ناظر است بمواقی که ملک مورد معامله در دست انتقال دهنده باشد و ذکر اجرة المثل در ماده مزبور قرینه روشنی است باین معنی و سیاق عبارت منصرف از مواردی است که عین مبیعه در تصرف مشتری باشد و در این مورد عمل متعاملین هم بر این بوده که منافع عین ملک در قبال فرع اصل وجه محسوب میشده است بنا بر این حکم مزبور مخدوش و مطابق ماده ۳۴ منقوض است.

بایع شارطی بر مشتری که مبیع در تصرف داشته اقامه دعوی کرده و استرداد ملک را درخواست نموده دادگاه نخستین مدعی علیه را به تسلیم ملک و مدعی را به پرداخت خسارت تأخیر تادیه محکوم کرده - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۴۷ مورخ ۱۸۱۸۱۸ چنین رأی داده است:

(نظر باینکه ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک

## رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه آزار در حین شروع بسرقت یا بعد از آن سرقت مقرون باآزار شناخته نشده

ماده ۲۲۳ قانون مجازات

برای عدم انطباق این عمل بماده ۲۲۳ آن قانون که مورد استناد دادستان بوده بدین کیفیت ( عمل اولیه متهم در سرقت دیک و شروع بدزدی بعدی بدون اینکه بیوست هیچگونه آزار و تهدید صاحب منزل باشد انجام یافته مشاخره بین صاحب منزل و متهم بعد از فراغت از دزدی اولی و شروع بدزدی ثانوی بوده ) معلوم میشود که نظر دادگاه بر عدم انطباق عمل سرقت دوم ( بر تقدیر اتمام آن ) بماده ۲۲۳ از این لحاظ بوده که لازم میدانسته سارق آزار و تهدید را در حین عمل سرقت مرتکب شود تا بزه قابل انطباق با ماده مزبور باشد و حال آنکه از عبارت آن ماده که میگوید هرگاه سرقت مقرون باآزار یا تهدید باشد بخوبی مستفاد است که منظور خلاف این معنی میباشد و همین قدر که عرفاً صدق نماید مقارن عمل سرقت مقرون آزار یا تهدید هم شده است اعم از اینکه قبل از عمل یا در حین آن یا بعداً ( بقسمی که عرفاً صدق نماید که در موقع ارتکاب سرقت آزار و تهدید واقع شده ) برای انطباق مورد بماده ۲۲۳ کافی خواهد بود بنابراین چون در این قضیه سرقت بر تقدیر انجام و اتمام مشمول ماده مزبور میشده است که مجازات آن جنائی بوده و مجازات شروع بان هم میباشد طبق ماده ۲۰ قانون نامبرده تعیین شده باشد بنابراین حکم محکومیت او بیزه شروع بسرقت نقض میشود ( . . )

کسی با اتهام سرقت مقرون باآزار بعنوان ورود شبانه با اسلحه بخانه کسی و سرقت دیک و شروع بسرقت مجدد و آزار صاحب خانه تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی باین مفاد رأی داده که ( عمل اولیه متهم در سرقت دیک و شروع او بدزدی بعدی بی آنکه بیوست هیچگونه آزار و تهدید صاحب خانه باشد انجام یافته و مشاخره میان صاحب خانه و دزد بعد از فراغت از دزدی اولی و شروع بدزدی دومی بوده و مورد مشمول ماده ۲۲۹ قانون مجازات است . . ) دادستان استان فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه [۲] در حکم شماره ۳۲ مورخ ۵-۱-۳۱۸ چنین رأی داده است :

( در قسمت تطبیق عمل انتسابی بمتهم از جهت شروع بسرقت بر ماده ۲۲۹ قانون مجازات عمومی که در مورد شروع بسرقت هائیت که بر فرض انجام جنحه محسوب میشود اشکال موجب نقض بر دادنامه فرجام خواسته وارد است زیرا بر حسب دعوی دادستان نخستین و حکایت پیرونده در این قسمت از اتهامات عمل انتسابی بمتهم این بوده که مشار الیه در حینی که بسرقت دوم شروع کرده صاحب خانه از خواب بیدار شده و او را گرفته و مشار الیه با خنجر بیکه داشته صاحب خانه را زده و در آن موقع دستگیر میشود و از طرز استدلال دادگاه

## رأی دیوان کشور بر رد دادخواست

در مورد بیکه باستناد تکذیب اظهارات اولی از طرف شاکی خصوصی درخواست اعاده دادرسی شده

ماده ۶۶ اصول دادرسی جزائی

مورخ ۷-۱-۱۸ چنین رأی داده است :  
( نظر باینکه محکوم علیه آنچه را مستند درخواست خود قرار داده و باستناد ماده ۶۶ اصول محاکمات جزائی تقاضای تجویز اعاده محاکمه نموده گواهی نامه ایست

کسی بجرم جنائی محکوم بحبس با اعمال ساقه شده و پس از قطعیت حکم باستناد اینکه شاکی خصوصی اظهارات اولیه خود را تردید و مبنی بر تکذیب دانسته درخواست تجویز اعاده دادرسی کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۲۹

که سابقاً بیوست دادخواست فرجامی خود نسبت بداد نامه دادگاه جنائی تقدیم داشته مفاداً آنکه شاکی خصوصی بعد از ساله شکایت خود در نزد چند نفر اظهار کرده که شکایت او در اثر تحریک دیگران و نسبت دادن عمل موضوع اتهام بر خلاف حقیقت بوده است و نظر باینکه قسمت اول از شق ۳ ماده استنادی که ظاهراً مورد نظر خواستاران اعاده

محاكمه میباید ناظر بمواردی است که پس از صدور حکم قطعی بر محکومیت متهم دلایل قابل توجه جدیدی غیر از آنچه سابقاً مورد استناد و رسیدگی واقع شده بدست متهم بیاید و مستند متارالیه در این مورد از هیچ جهت قابل انطباق باماده استنادی نیست لذا درخواست تجویز اعاده محاکمه موجب قانونی ندارد و باتفاق آراء مردود است.

رای دیوان کشور برابر ام

در موردی که ورود اداره اوقاف بعنوان شخص ثالث در دعوی اعتراض به ثبت بعنوان تصدی در خارج از مدت پذیرفته شده ماده ۱۶۴ قانون آرمایش ماده ۲۷ و ۲۸ قانون ثبت اسناد

کسی بردخواست ثبت ملکی بعنوان ثالث بودن اعتراض کرده و در خلال امر دلی خارج از مدت قانونی اداره اوقاف نیز بعنوان آنکه متولی مرحوم شده و ثالث باید بتصدی اوقاف اداره شود بعنوان شخص ثالث اعتراض داده - دادگاه نخستین رأی بحقیقت شخص ثالث داده - و دادگاه استان حکم رانائید کرده دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۵۵ مورخ ۱۴-۱-۱۸ چنین رأی داده است :

( عمده اعتراض وکیل فرجام خواه این است که اعتراض اداره اوقاف که بعنوان شخص ثالث وارد گردیده

بوده از جهت اینکه بعد از انقضاء مدت قانونی اعتراض بر ثبت بوده قابل قبول نبوده و اعتراض مزبور وارد نیست چه اداره اوقاف نسبت بثلث بودن رقبه معترض نبوده بلکه اعتراض او فقط راجع بجهت تصدی و اداره امور ثالث بوده که از لحاظ فوت متولی مورد را ثالث بلاوسی منصوص تشخیص و تصدی اداره امور آرا راجع بخود میدانسته و بنا بر این مانعی از قبول و استماع دعوی اداره اوقاف نبوده و رأی مورد تقاضای فرجام بی اشکال و به اتفاق مبرم است . . )

رای دیوان کشور بر نقض

در موردیکه نسبت بشکایت از ثبت ملک دیگری قرار اناطه صادر شده ماده ۱۱۴ قانون ثبت و ۱۷ قانون اصول جزائی

کسی بانتهام ثبت ملک دیگری بنام خود تحت تعقیب واقع و دادگاه استان قرار منع تعقیب متهم را فسخ و قرار اناطه تعقیب امر جزائی را بصدر حکم قطعی از دادگاه حقوق در باب عدم مالکیت متهم صادر میکند و دادسرای دیوان کشور از نظر اینکه باملاحظه ثبت شدن ملک موضوع اختلاف بنام متهم رسیدگی بقضیه از وظایف خود دادگاه بوده طبق ماده ۴۶۴ و ۴۶۵ قانون اصول دادرسی جزائی رسیدگی فرجامی را در خواست کرده - شعبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۶۰ مورخ

۱۵-۱-۱۸ چنین رأی داده است :

( اعتراض جناب دادستان دیوان کشور که با ملاحظه ثبت شدن ملک موضوع اختلاف بنام متهم تشخیص مالک و متصرف ملک مورد تقاضای ثبت قبل از تقاضای برای ترتیب آثار جزائی و حکم خسارت از وظایف همان دادگاه جزائی خواهد بود که مرجع رسیدگی بجنبه عمومی میباشد بنظر وارد میاید چه آنکه از مواد مربوطه بمجازات تقاضا کنندنده ثبت ملک متعلق بقیر از قانون ثبت اسناد خصوصاً ماده ۱۱۴ آن

قانون بطوریکه ایراد شده این معنی استفاده میشود و قرار اناطه در این مورد مخالف مقصود از وضع مواد مزبور است بنا بر مراتب مذکوره قرار مورد نقضای رسیدگی فرجایی

برطبق مواد ۴۶۴ و ۴۶۵ قانون اصول محاکمات جزائی برای حفظ قانون بانفاق آراء نقض بلاارجاع میشود)

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد صدور شناسنامه بطور تقلب و جعل ندانستن عمل

ماده ۱۱ قانون ثبت احوال و ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مجازات

یک نفر از تبعه خارجه برک شناسنامه نقلی بنام عوضی صادر میکنند ویس از تعقیب از طرف دادسرا باستناد مواد ۱۱ قانون ثبت احوال و ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مجازات دادگاه جنائی بلحاظ اینکه متهم بتصور اینکه میتواند این کیفیت از تبعیت کشور خود خارج و تابع ایران شود اقدام بگرفتن شناسنامه نموده و استفاده هم از آن نکرده تا بر فرض جعلیت بشود او را مجازات کرد عمل را جعل ندانسته و فقط از جهت تغییر نام خود و پدر و تابعیت در حدود قیمت اخیر ماده ۱۱ قانون ثبت احوال قابل تعقیب دانسته و بواسطه شمول مرور زمان تبرئه شده - دادستان بر حکم مزبور اعتراض کرده - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۱ مورخ

۲۱ و ۱۸/۱۸۱ چنین رای داده است :

(اعتراض دادستان این است که دادنامه مخالف ماده ۱۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۰۷ میباشد که عمل را مشمول مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون مجازات عمومی مینماید و این اعتراض وارد نیست زیرا ماده مزبور ناظر به برکهای است که بطور عادی صادر شده باشد و اما بریکه بطور تقلب و در نتیجه جرم یعنی اظهار خلاف واقع صادر شده و باید ابطال شود و از بین برده شود چون سندیتی و ارزشی ندارد مشمول آن ماده نخواهد بود و چون در نظر دادگاه برک مورد بحث بکیفیت فوق صادر شده حکم مزبور بی اشکال است)

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه فروش باروت قاچاق شناخته نشده

ماده ۴۳ قانون مجازات قاچاق

کسی بعنوان اینکه باروت فروخته در دادگاه جنحه مورد تعقیب واقع و بیکماه حبس تادیبی محکوم شده - دادگاه استان باستناد اینکه بر حسب ماده ۴۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق ساختن باروت مشروط با اجازه شهربانی قرار داده شده نه اشتغال بفروش آن و فروش باروت از ادوات و باروت جزء مواد محترقه مصرح در قانون نیست حکم را فسخ و متهم را تبرئه کرده - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۶۵ مورخ ۲۱ و ۱۸/۲۱ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

( مفاد اعتراض دادستان این است که باروت جزء مواد محترقه محسوب بوده و حکم دادگاه بر خلاف ماده ۴۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق صادر شده است و این اعتراض وارد نیست چه آنکه بطوریکه از ماده مزبور استفاده میشود باروت قانوناً از مواد محترقه بشمار نیامده که همین لحاظ عطف بمواد محترقه شده است و ظاهراً از ماده این است که اشتغال بکسب باروت فروشی آزاد است و چون از ملاحظه دادنامه و تطبیق آن با سایر محتویات پرونده نیز اشکالیکه موثر در نقض باشد بنظر رسید حکم فرجام خواسته بانفاق آراء ابرام میشود)

## رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد تعیین مجازات معاون متهم بقتل بکمتر از دو سال حبس تأدیبی

ماده ۴۴ و ۲۷ و ۲۹ قانون مجازات

در این مورد حبس موقت با اعمال شاقه بوده و در تمام تخفیف بموجب شق ۳ ماده ۴۴ آن قانون میبایست بعسب مجرد و یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد تبدیل شود و منظور از تخفیف درجه مذکور در ماده ۲۹ که ظاهراً مورد نظر دادگاه بوده این است که تخفیف مجازات بر طبق مقررات و قواعد راجع بتخفیف باشد نه يك بادر درجه تخفیف بلا شرط تا لازم آید که معاونت در گناهی را که اصل مجازات آن اعدام است و مجازات معاون آن طبق مواد فوق الذکر حبس موقت با اعمال شاقه میشود تا هشت روز حبس تأدیبی هم بتوان تنزل داد بنا بر این حکم محکومیت چهار نفر نامبرده بیکسال حبس تأدیبی از این جهت خلاف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود.

چند نفر بانهم معاونت در قتل تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی با استناد شق ۴ ماده ۴۴ و رعایت تخفیف و ماده ۲۷ و ۲۹ هر يك را بیکسال حبس تأدیبی محکوم کرده دادستان استان از لحاظ کمی مجازات فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۰ مورخ ۱۶/۱۱/۱۸ چنین رأی داده است:

« اعتراض دادستان استان نسبت بمحکومیت ۴ نفر از متهمین نتیجه آنکه مجازاتی که در باره آنها تعیین شده کمتر از میزانی است که قانون اجازه داده وارد است زیرا دادگاه با تطبیق عمل آنان بماده ۱۷۰ و ۲۸ قانون مجازات عمومی با استناد مواد ۲۰ و ۲۷ و ۲۹ و شق ۴ ماده ۴۴ قانون مزبور هر يك از آنها را بیکسال حبس تأدیبی محکوم نموده در صورتیکه طبق ماده ۲۹ قانون مزبور با ملاحظه مواد ۲۷ و ۲۰ مجازات گناه آنها که معاونت در قتل تشخیص شده

## رأی دیوان کشور بر رد دادخواست

در مورد بیکه شاکی خصوصی با عدم مطالبه ضرر و زیان فرجام بخواهد

ماده ۴۳۲ و ۴۳۷ اصول دادرسی جزائی

موضوع پیدا میکند که زبان یافته طبق مقررات حق شخصی را مورد مطالبه قرار داده و از اطراف دعوی محسوب شود تا اگر حکم دادگاه در حق شخص او مؤثر باشد بتواند درخواست فرجام نماید و نظر باینکه در این مورد فرجام خواه در بازجوئی و محاکمه مطالبه ضرر و زیان ناشی از بزه ادعائی خود را از طرف مولی علیه بسمت مدعی خصوصی نکرده و بهیچوجه دخالتی در محاکمه نداشته تا در صورت تأثیر حکم دادگاه جنائی در حقوق خصوصی حق درخواست فرجام داشته باشد لذا دادخواست فرجامی او اساساً قابل قبول نیست و بموجب ماده ۴۵۴ قانون فوق الذکر باتفاق آراء رد میشود.

بدر طفلی بعنوان شاکی خصوصی از کسی بانهم عمل منافی عفت با طفل بدادسرا شکایت کرده و دادستان ادعای بدادگاه جنائی داده و متهم از جهت عدم کفایت دلیل تبرئه شده - شاکی خصوصی از این رأی فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۲۵ مورخ ۱۵/۲/۱۸ چنین رأی داده است:

« نظر باینکه طبق ماده ۴۳۲ قانون محاکمات جزائی حق درخواست رسیدگی فرجامی برای مدعیان خصوصی نسبت بحکم دادگاه جنائی فقط از جهت ضرر و زیان ناشی از بزه میباید و بدیهی است این جهت وقتی

## رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه دادگاه پژوهش باستناد اینکه طرف دعوی (خواسته) را

بدیگری انتقال داده قرار عدم توجه دعوی را صادر کرده

جریان دعوی رفع بد از آن نموده و وکیل مدعی علیه در جلسه محاکمه اظهار داشته که موکلش بعد از صدور حکم بدایت مورد دعوی را انتقال داده بعلاوه مدعی از دادگاه تقاضی داشته که چنانچه تلقی ید منتقل الیه از مدعی علیه را قبول دارد جریان دعوی را باو ابلاغ کنند و با اینحال مقتضی بود که دادگاه با احراز مراتب مزبوره بطوریکه در موارد انتقالات قهری و اختیاری معمول است منتقل الیه را برای ختم جریان دعوی دعوت نماید و اصدار قرار عدم توجه دعوی در این مورد بر حسب تقاضی مدعی که در مرحله بدوی با طرفیت با متصرف در رقبه محکوم به بیحقی گردیده موافق اصل نبوده لذا قرار مورد شکایت فرجامی مخدوش و مطابق ماده ۳۴۰ قانون آرایش نقض میشود.

کسی بخواسته مقداری ملک بر متصرف آن اقامه دعوی کرده و در دادگاه نخستین به بیحقی محکوم میشود - در مرحله پژوهشی پژوهش خواه ضمن شرح دعوی باستناد اینکه پژوهش خوانده خواسته را بدیگری صلح کرده و خلع بد نموده درخواست صدور قرار عدم توجه دعوی نسبت بار را کرده و ضمناً دادخواست بطرفیت منتقل الیه نیز تقدیم و درخواست رسیدگی کرده دادگاه پژوهش پس از رسیدگی حکم نخستین را فسخ و قرار عدم توجه دعوی نسبت بی پژوهش خوانده میدهد - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۲۲۶ مورخ ۱۳/۲/۱۸۲۰ چنین رای داده است :

« مطابق محتویات پرونده مدعی تسلیم داشته که رقبه در حین محاکمه بدوی در ید مدعی علیه بوده و در خلال

## رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه دادگاه ضرب و جرح میان چند نفر را از موارد منازعه ندانسته

ماده ۱۷۵ و مکرر قانون مجازات عمومی

حکم فرجام خواسته خالی از اشکال نیست زیرا بر حسب تشخیص دادگاه جرح وارد بر مجنی علیه در ضمن نزاع بوده و ماده استنادی همانطور که در آن تصریح شده راجع بغير مورد منازعه میباشد و عمل مورد حکم با ماده ۱۷۵ اصلی قانون مزبور منطبق میشود لذا حکم فرجام خواسته از این حیث مخالف قانون محسوب و چون در اندازه مجازات مؤثر است از موجبات نقض بشمار میرود بنا بر این حکم مورد درخواست نسبت بهر دو نفر محکومین بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض می شود.

دو نفر باهم مشغول زد و خورد شده و یک نفر نالک بعنوان میانجی مداخله کرده در نتیجه بر اثر ضربتی که بر میانجی رسیده مجروح و فوت شده - دو نفر نامبرده تحت تعقیب واقع و دادگاه جزائی باستناد ماده ۱۷۵ مکرر هر يك از آنها را سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۳۱۴ مورخ ۲۲/۲/۱۸۲۰ چنین رای داده است :

« در تشخیص گناه بودن عمل مورد حکم بر تقدیر عدم طرفیت مجنی علیه هم در نزاع اساساً اشکالی بنظر نمی رسد لیکن در تطبیق آن با ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی